



## شرق‌شناسان بسیاری از ابعاد تمدن اسلامی را به سود تمدن غرب تفسیر کرده‌اند

نگاه فرادستانه غربیان به شرق فرودست، محصول نوعی غیریت‌سازی و غیریت‌پردازی بوده که تمدن جدید آن را ایجاد کرده است و در واقع بسیاری از ابعاد آموزه‌ها و تجربیات تمدن اسلامی در این بازخوانی شرق‌شناسانه به سود تمدن غربی تفسیر شده است.

نگاه فرادستانه غربیان به شرق فرودست، محصول نوعی غیریت‌سازی و غیریت‌پردازی بوده که تمدن جدید آن را ایجاد کرده است و در واقع بسیاری از ابعاد آموزه‌ها و تجربیات تمدن اسلامی در این بازخوانی شرق‌شناسانه به سود تمدن غربی تفسیر شده است.

حجت‌الاسلام و المسلمین ذبیح‌الله نعیمیان، عضو هیئت علمی پژوهشگاه اندیشه سیاسی اسلام (وابسته به دبیرخانه مجلس خبرگان) در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) به بیان سخنانی درباره سیر تاریخی مواجهه تمدن غرب با دنیای اسلام و آسیب‌شناسی مطالعات اسلام‌شناسی در غرب پرداخت. بخش نخست این گفت‌وگو را اینجا بخوانید!

وی در بخشی از سخنان خود اسلام‌شناسی را بخشی از کلان‌پروژه شرق‌پژوهی در غرب خواند و افزود: این کلان‌پروژه در بستری از مناسبات استعماری و سلطه‌گرایانه شکل گرفته و مطالعات پژوهشی آن همواره با فعالیت‌های استعماری توأمان بوده است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان این وصف را بر شرق‌شناسی حاکم دانست که به دنبال فهم فرادستانه غرب در نگاه به شرق فرودست است.

این محقق و پژوهشگر عنوان کرد: نگاه فرادستانه غربیان به شرق فرودست، محصول نوعی غیریت‌سازی و غیریت‌پردازی بوده که تمدن جدید آن را ایجاد کرده است. تمدن جدید غرب با رسیدن به تجدد به دنبال آن بود که خود را بازتعریف کرده و صورت‌بندی نظری خاصی از خود به غربیان و پس از آن به غیرغربیان ارائه دهد.

هنگامی که غرب به کمال تجدد رسیده بود، این شرق بود که با نگاه تحقیرآمیز مجبور به بازستانی و بهره‌مندی از فراورده‌های تمدنی غرب بود. این نگاه کلان‌ایجاب می‌کرد که غربیان زمانی که به اسلام‌شناسی نیز می‌پرداختند، تلاش کنند تا ابعاد تمدنی و آموزه‌های دینی اسلام را در تلقی و تفسیر دیگری بفهمند

وی ادامه داد: تمدن غرب در تجربه استعماری خود تلاش کرده بود تا فرادستی تمدنی را در سراسر جهان به رخ عالمیان بکشد و از این روی، نیازمند آن بود که پیشینه‌های تمدنی غرب را به گونه خاصی تعریف کند؛ هرچند در این تعریف ریشه‌هایی از تجربیات تمدنی را در ماورای غرب سراغ می‌گرفت و آنها را به بازخوانی می‌نهاد، اما تجربه شرق را در نگاه دیگری مورد استفاده قرار می‌داد.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه اندیشه سیاسی اسلام در تشریح این مطلب عنوان کرد: اگر هم تجربیاتی خارج از تمدن غربی وجود داشت، اما در نهایت محصول تجدد و پیشرفت بشری را در غرب می‌دید و به شرق صرفاً به عنوان خاستگاهی نگاه می‌کرد که بخش صرفاً مقدماتی و ناچیز تمدن را برای بشریت فراهم آورده بود.

وی تصریح کرد: هنگامی که غرب به کمال تجدد رسیده بود، این شرق بود که با نگاه تحقیرآمیز مجبور به بازستانی و بهره‌مندی از فراورده‌های تمدنی غرب بود. این نگاه کلان‌ایجاب می‌کرد که غربیان زمانی که به اسلام‌شناسی نیز می‌پرداختند، تلاش کنند تا ابعاد تمدنی و آموزه‌های دینی اسلام را در تلقی و تفسیر دیگری بفهمند و به جامعه ارائه دهند.

حجت‌الاسلام نعیمیان با اشاره به این‌که در واقع بسیاری از ابعاد آموزه‌ها و تجربیات تمدن اسلامی در این بازخوانی شرق‌شناسانه به سود تمدن غربی تفسیر شد، اضافه کرد: به طور نمونه در کتاب «#171؛ فلسفه علم کلام» اثر ولفسون که از سوی مرحوم احمد آرام ترجمه شده است، مشاهده می‌کنیم که هرگونه نظریات مختلف کلامی در دنیای اسلام توسط مؤلف به‌گونه‌ای به نظریات غیرمسلمانان و به‌ویژه مسیحیان ارجاع داده می‌شود.

وی ادامه داد: در واقع در این اثر ما با نوعی از تحویل آراء و نظریات کلامی مسلمانان به سود آراء و نظریات مسیحیان در طول تاریخ مواجه هستیم و این مطلب در باب ابعاد دیگر اسلام نیز صادق است؛ برای مثال در بازخوانی فقه شیعه نیز برخی از اسلام‌شناسان غربی تلاش کرده‌اند تا آموزه‌های فقهی حقوقی اسلام را به خاستگاهی ماورای دنیای اسلام بازگردانند و به جای دیگری تحویل ببرند.

این محقق و پژوهشگر خاطرنشان کرد: آنان خاستگاه دیگری برای تلاش‌های تمدنی و عینی مسلمانان و از جمله ایرانیان مسلمان معرفی می‌کنند؛ چه آنکه می‌خواهند اسلام را به عنوان یک دین صرفاً تاریخی معرفی کنند که به مثابه امری تاریخ‌مند توانسته است

صرفاً از تمدن‌های دیگر اقتباس کند و با صورت‌بندی بسیار نازل و سطحی و حتی با انحراف‌هایی، تجربه‌های تمدنی و آموزه‌های ارزشی – دینی را از خاستگاه دیگری به میان تمدن اسلامی بیاورند.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه اندیشه سیاسی اسلام خاطرنشان کرد: این امر چندان گسترده است که می‌توان غلبه این نگاه را بر رویکرد عمده اسلام‌شناسان و شرق‌شناسان مشاهده کرد؛ البته شرق‌شناسی دچار تحولات خاصی در فضای غربی شده، اما این نگاه را هنوز از دست نداده است.